

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

کلام در این بود که اخذ اجرت بر اصل شهادت چه در مقام تحمل و چه در مقام ادا چیست که گفتیم دو صورت ممکن است تصور شود یک صورت این که از اول اجاره بر آن منعقد شود یعنی به شخص بگویند که برای تحمل شهادت حاضر شو! به تو فلان مبلغ می دهیم، صورت دوم برای جایی است که عقد اجاره ای در بین نباشد و طرف بخواهد بعد از شهادت اجرت المثل مطالبه کند.

نسبت به صورت اجاره گفتیم بعید نیست چنین اجاره ای صحیح باشد، چون مفصلا قبلا گفتیم حتی اگر فردی اجیر شود که یکی از فرائض واجب میتی را مثل نماز را به عنوان عمل مستحق مستأجر انجام بدهد بعید نیست اجاره صحیح باشد النهایه این عمل مجزی از اتیان مأموریه که باید با قصد قربت انجام شود نیست، چه برسد به شهادت که عمل عبادی نیست البته باید عمل عرفا دارای ارزش مالی باشد و الا اجاره بر آن محل اشکال است.

حالا اگر اجرة المثل مطرح شد یعنی اجرة المسمی در بین نبوده ولی در مقام تحمل گفته اند بیابید در جریان موضوعی قرار بگیرید تا عند الزوم شهادت بدهید، اگر عرف این عمل را عمل دارای اجرتی بدانند و شخص قصد تبرء نکرده باشد و کار را هم به درخواست ذی نفع انجام داده باشد بعید نیست که مستحق اجرة المثل هم باشد.

اما به نسبت مقام ادا یعنی اگر کسی شهادتی را تحمل کرده و الان می خواهد آن شهادت را بیان کند، در جایی که فرض کنیم بر شخص، وجوبی ندارد ظاهرا کلامی در آن نیست که استحقاق اجرت دارد فرض کنید مطلبی در دادگاه با اقرار خصم و سند ثابت شده ولی مدعی می خواهد از باب محکم کاری شهادت هم اضافه کند که در این جا شهادت اصلا از ریشه واجب نیست (چون شهادت در جایی واجب بود که موضوع بخواهد با شهادت شاهد اثبات شود) و محذور لانه یؤدی فرضا بود که در این جا مطرح نیست.

پس کلام در جایی است که فرض کنیم شهادت واجب است که خود دو صورت است، یا کفایی است که این جا ممکن است مسأله پیش بیاید که من به الکفایه هست و در این صورت وجوب شهادت دیگران برداشته می شود و مطالبه اجرت از سوی دسته اخیر از محذور قبل خارج اند ولی اگر جایی باشد هنوز هیچکس از این ده نفر نرفته و موضوع هم با شهادت دو نفر ثابت می شود در این جا هم اگر از بین ده نفر اگر کسانی هستند که اثبات موضوع به شهادت آنها موقوف است ممکن است محذور قبل پیش بیاید ولی اگر هر ده نفر شرایط را داشته باشند. این جا حرف پیش می آید که اگر مطالبه دستمزد شد چه حکمی دارد؟ با محذور لانه یودی فرضا مواجه می شویم چون فقها گفته اند نمی توان در برابر واجب دستمزد گرفت. یعنی از این جا به آن مباحث قبلی برمی گردیم.

واجبات تقسیم به تعبدی و توصلی می شود که در مورد توصلی این موضوع علی الاطلاق نیست، آنچه در بحث واجب مشکل را هست جایی است که واجب تعبدی باشد و بر انجام واجب تعبدی محذورات بیان شد که یکی از آنها منافات اجرت با قصد قربت بود و دیگری این که در عمل واجبی که شما باید انجام بدهی این فعل مستحق للغير واقع شده و نمی توان بر آن اجرت گرفت.

ما به نحو تصویر صغرای مسأله گفتیم در باب تحمل شهادت و باب ادای شهادت طبعاً قصد قربت برای ثبوت تکلیف شرط نیست و از آن طرف فلسفه وجوبی آن این است که نظام مجتمع مختل نشود و حق به حق دار برسد و این رجوع به خود قضاوت کردن پیدا می کند که علی المبنای در واجبات توصلی و واجبات نظامیه اخذ اجرت بلاشکال است از این رو اگر چنانچه شخص بگوید من حاضر شهادت بدهم اما در قبال آن مطالبه اجرت کند اشکال ندارد. بلکه ممکن است گفته شود به دلیل فقدان استطاعت در مشهود له و شاکی و مدعی که دریافت اجرت ملازمه با تعطیل حق پیدا کند شاید صورت دیگری پیدا کند.

تا این جا به این صورت مرتبط بود که مقام، مقام تحمل یا ادا باشد ولی اجرت راجع به اصل عمل باشد نه این که وجه مورد مطالبه راجع به هزینه ها و مخارج و این چیزها باشد. در حقیقت حد مایز عرض بنده با مشهور در این است که ادای فریضه کردن علی الاطلاق محذور نیست تنها فریضه ای در قبال اخذ اجرت محذور دارد که تعبدی باشد کما این که الان در مورد کفن و دفن و تجهیز میت از واجبات توصلی است که اگر کسی انجام بدهد و اجرت بخواهد آیا می توان گفت جایز نیست؟ یا در مورد واجبات نظامیه چون فلان شغل نیست و مردم معطل فلان شغل هستند کسی را مجبور به شغلی کنیم آیا می توان به او اجرت نداد؟ اللهم الا ان یقال اگر قرار باشد شهود برای شهادت اجرت بخواهند باب شهادت تعطیل می شود که باز گشت آن در اختلال نظام است.

اما نوبت می‌رسد به هزینه‌ها که فرع دوم در مسأله است؛ طرف می‌گوید من می‌خواهم شهادت بدهم و انسانی نیستم که برای شهادت دادن پول بخواهم ولی نباید از جیبم برای رفت و آمد و اسکان و امثال آن هزینه کنم، در نتیجه اخذ مطالبه هزینه‌های مطالبه توسط شاهد فرع دوم مسأله است.

در مبنایی که گفته اخذ اجرت در اصلش جایز نیست، کلمات بزرگان را بیان کردیم که گفتند حتی اگر قائل باشیم اخذ اجرت بر اصل شهادت جایز نیست ممکن است بگوییم دریافت این هزینه‌ها اشکال ندارد چون از لسان دلیل یعنی آیات مبارکه که دستور به تحمل وادای شهادت می‌دهد استظهار می‌شود که این‌ها واجبات بدنیه هستند نه مالیه، واجبی نیست که شخص باید در راستای آن بذل مال کند بلکه شخص فقط باید از بدن خود مایه بگذارد و به نظر می‌رسد از این جهت محذوری نداشته باشد.

و الحمد لله رب العالمین